

نام و نام خانوادگی: رشته: کلاس: مدت آزمون: گروه ب

الف: مقدماتی

۱- طرح نقشه / نیمی ردا

۲- آونجته

۳- وظيفه = وجه معاش

۴- اكران / بحر

۵- بی دریغش

۶- الف

۷- حوزه

۸- زهد / روزش - مفید الیه

۹- مسند = یاک / آنگه = قید

۱۰- صفت: همین روزها - یک حکایت محمد در امان: بچه در شناسایی

۱۱- حرف اضافه / معنوی = معنی دوم

۱۲- شرمندة خویش گریه اشکم (یا) این چه قول دژل محیی - نبود

۱۳- روکش تابوت نجی (عقذ الیه معذ الیه) (یا) عیار مهر و کین مرد نامرد (معذ الیه معذ الیه)

ب) مقدماتی:

۱۴- عقراب دیوگراش / عمار حکومت

۱۵- الف (استعاره) ب (رباعی / استعاره) پ (حجاز)

۱۶- ب

۱۷- ۳ / ۴

۱۸- الف (عین سلمانی) ب (احمد عربلو)

۱۹- الف (نادرست) ب (درست)

۲۰- پیش از من و تو بسیار بودند نقش بسته / دیوار زندگی را زین گونه یادگار

۲۱- خواب و خوراک زنده خوش دور کرد / آنگه رسی به خوشی که بی خواب و خوراکست

۲۲- بنیاد هستی تو چو زبر زبرستور

۲۳- دیوار زندگی را زین گونه یادگار دان

۲۴- ناتوان در ستایش و شکرگزاری خدا را

۲۵- الف: دامن از دست برفت / بوی گلم چنان مهک کرد ب: گل (بوی گل) / درخت گل

۲۶- فقر مردم جامعه

۲۷- ضرورت پیروی از پیر و مراد در عرفان - ۲۸- ب

۲۹- نداشتن مردم صاحب قلم (یا مفهوم این عبارت) - ۳۰- خود را به حساب نیامد / ترک خود کردن

۳۱- الف) مردم و حکومت در حاشیه رود فرات از امیر اطهری دم بقیت و زمان برداری می کردند

ب) درختان قدیم تا باغ و کتا زهر رویده بودند

ت) آبروی بنده را به خاطر نشاء شکار بی برد

ث) آخرین دوره شکوفایی امیر اطهری روم عظیم موسسین بود

۳۲- الف) بر خیزش را زوب کس و قدرت را شان بده (از انزوا خارج شود قدرت نمای کن)

ب) من خدمت که می ایست که از معشوق دوره افتاده اند و نفعش را از عاقلان مرا بر ملا می کنند

پ) هیچ وقت برای مال دنیا غنیمت نبوده ام

ت) گفت آنقدر صنی که نامت عادل راه می روی

ث) یک چوب سختی و مرارت بسیاری تحمل کرده است

نم:

مهرزاده خشن

نام خانوادگی: کلاس: رشته: گروه: الف

الف) قلمرو زیبایی ! ۱- اینب سرخ تیره	۲- ردا	۳- ب
۴- الف) تدایحی (ب) مستور	۵- مستور	۶- ب
۷- معقول / مضاف الیه ۸- منذ / قید	۹- وصفی بخین روز - آخر دنیا	۱۰- الف) معقول (ب) حرف اضافه
۱۱- آن را عشق خوانند	۱۲- خورشید جان عاشقان (مضاف الیه مضاف الیه)	
ب) قلمرو ادبی: ۱۳- الف) مانند برگ هسی / متهمند ستاره	۱۴- الف) جناس نام (ب) تلمیح	پ) (خن تعلیل)
۱۵- الف	۱۶- الف) محمد بن بگی (ب) تشبیه کن ()	۱۷- الف) درست (ب) نادرست
۱۸- خواب و خوراک زنده خورش دور کرد / آنکه رسی به خویش که بی خواب و خوراک شوی	۱۹- باز آ که در هواست خورش جنوم / فریاد بر انگیزت از سنگ کوهاران	
۲۰- دیوار زندگی را زین گونه یادگاران	۲۱- کر نور عشق حق به دل دجانت ارفتد	
پ) قلمرو فکری: ۲۲- تسلیم مطلق شدن در عشق / جان فانی در عشق	۲۳- الف) ترک خود گفتن / فدای عشق شدن	
ب) چون هر دو حوا را در ستود نابود می کنند	۲۴- تا پایان هستی - نایب است	
۲۵- مردم حکومت جائیه را حکومت دم باستان	۲۶- ب	۲۷- ایندهی درختان
۲۸- تحمل سختی و مرارت		
۲۹- الف) برخیزد الان به ده آمد و رفت در ششم	ب) زمان در قدیم هر دو جهانبیه روم بود و از آن انتظار داشتند	
پ) ای عزیز زندگی بیروانه به عشق آتش بستی دارد و بدون معشوق خود (آتش) آرام و قرار ندارد	ت) در دریای کثیف و تیره عرفان فروخته بود	ث) (سیرت کثیف و تیره بود)
۳۰- گفت مشکل دین با دارن پول در ستوه حل نمی شود		
ب) من چنان آسایش دارم که حتی جسد (پارچه مقتدر) هم این آب شیر را ندانست		
پ) من هم عاشقان از معشوق دور افتاده اند که بانوای خود را از عاشقان رافاش می کند		
ت) آنقدر بالا رفته است که به خورشید و سیاره ستاری رسیده است		
ث) رسم سلوک عرفان را از پیر و مراد (شیخ ما) فرا گرفته است		

پیر و مراد به بند بایستد خشن

نزد: